

Examining Signs of Absurdism from the Pragmatic Study of Language Usage in the Play *Guldan (Vase)* by Bahman Forsi

Abdollah Chawshini¹, Pantea Nabian²

Received: 2024-03-04, Accepted: 2024-05-06

Abstract

Linguistics as a science is the scientific way of studying languages. One branch of linguistics is called pragmatics, which focuses on the study of the meaning of utterances in context and incorporates the principles of Grice's maxims, politeness theory, and turn-taking. This study analyzed the pragmatic patterns of language use in Behnam Forsi's plays. Based on the data collected from the research, Findings revealed that the plays "Two Times Two Equals Infinity" and "The Vase" violated the principles of conversational cooperation the most. The play "Steps of a Ladder" had the highest adherence to these principles among other Persian plays. The principle of quantity was the most frequently violated in Persian dramatic dialogue. Repetition and verbosity in the characters' dialogue were among the most important and commonly used techniques for advancing the plot and conversation in Persian dramatic works. The study employed descriptive-analytical methods, reliable library sources, and online databases, with data analysis grounded in pragmatic language use theories.

Keywords: Pragmatics, Absurdism, Dramatic Language, The Vase, Bahman Forsi

1. MA in Dramatic Literature, Art Faculty, Soore University, Tehran, Iran.
Email: a.chawshini@outlook.com

2. Ph.D. in Linguistics, Department of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
Email: nabianpantea@gmail.com

بررسی نشانه‌های ابزوردیسم از منظر کاربردشناسی زبان در نمایشنامه گلدان اثر بهمن فرسی^۱

عبدالله چاوشینی^۲، پانته آبی نیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

چکیده

تئاتر ابزورد نوعی نمایش است که پوچ بودن وضعیت انسان و ویژگی‌هایی مانند سکوت، تکرار مکررات بیهوده روزانه و گفت‌وگوهای غیرمتعارف و بی‌ارزش را بدون هیچ‌گونه رویدادی که باعث پیشرفت و تعالی زندگی انسان باشد، نشان می‌دهد. ویژگی بارز تئاتر ابزورد، استفاده ویژه و جدید آن از زبان است. به این معنا که زبان به عنوان ابزاری برای مرادده منطقی به کار برده نمی‌شود و برخلاف نمایش‌های رایج گذشته، رابطه علت و معلولی متعلق به دنیای خود نمایش است و احتمالاً خارج از آن جهان، معنا و مفهومی پیدا نمی‌کند. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، کاربردشناسی است که به بررسی پاره‌گفتارها در درون بافت می‌پردازد و اصول چهارگانه گرایس، ادب و نوبت‌گیری از جمله عواملی هستند که در کاربردشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این پژوهش به بررسی فصل مشترک نشانه‌های زبانی ابزوردیسم با کاربردشناسی زبان در نمایشنامه گلدان اثر بهمن فرسی پرداخته شده است. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده پژوهش، فرسی در نمایشنامه گلدان، کاملاً آگاهانه اصول کاربردشناسی زبان در مکالمه را نقض می‌کند تا علاوه بر تجسم فضا، ساختار و شخصیت، به نشانه‌های زبانی ابزوردیسم نزدیک‌تر شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در این راستا از منابع کتاب‌خانه‌ای و پایگاه‌های معتبر اینترنتی بهره برده است. تحلیل الگوی داده‌ها نیز در چارچوب نظریات کاربردشناسی زبان انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: کاربردشناسی زبان، ابزوردیسم، زبان نمایشی، نمایشنامه گلدان، بهمن فرسی

۱. این مقاله مستخرج از پروژه پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای عبدالله چاوشینی، با عنوان «بررسی کاربردشناختی زبان نمایشی در نمایشنامه‌های بهمن فرسی»، در رشته ادبیات نمایشی، دانشگاه سوره، دانشکده هنر، به راهنمایی پانته آبی نیان نوشته شده است.

۲. کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.
Email: A.Chawshini@outlook.com

۳. دکتری تخصصی زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: NabianPantea@gmail.com

مقدمه

زبان^۱ یکی از مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی و اجتماعی و وسیله بیان اندیشه و انتقال ارزنده‌ترین دستاوردهای آن در جوامع انسانی است (وزیرنیا، ۱۳۷۹: ۸). ارتباط اجتماعی در بهترین حالت خود تنها از راه زبان و در قالب گفت‌وگو صورت می‌گیرد که مجموع این ویژگی‌ها و همچنین توجه به دانش زبان‌شناسی^۲ در دهه‌های اخیر، زبان را تبدیل به موضوع پژوهش‌های متنوع کرده است. از سوی دیگر نمایشنامه نیز به عنوان نمادی از نهاد اجتماعی است چراکه در اجتماع به گفت‌وگو می‌نشیند و این امکان‌پذیر نیست مگر از راه زبان. از این‌رو زبان به‌طور عمومی در نمایشنامه که جوهره‌اش به آن وابسته است، دارای مکانیسمی منحصربه‌فرد است که سبب می‌شود نوعی از نگرش به جهان را بازتولید کند. از آنجاکه دیالوگ پیکره اصلی یک نمایشنامه را تشکیل می‌دهد و سبب بازنمایی کنش‌ها، شخصیت‌ها و... می‌شود، نیاز اساسی‌تر به بررسی دارد. کاربردشناسی زبان، مطالعه معنی ساختارهای زبانی در بافت موقعیت است؛ یعنی معنایی که گوینده یا نویسنده آن را نقل و شنونده یا خواننده متن برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی را که به کار می‌برند و هدف کاربردشناسی منظور گوینده است.

از سویی دیگر اصطلاح تئاتر ابزورد را نخستین بار مارتین اسلین، نویسنده و منتقد انگلیسی مجاری تبار در سال ۱۹۶۱ برای توصیف آثار تئاتری شاخص در کتابی به همین نام به کار برد. ابزورد در اصل در یک متن موسیقایی به معنای «فقد هماهنگی» است و از آن به معنای بی‌تناسب، نامعقول و غیرمنطقی نیز یاد می‌کنند. ویژگی بارز تئاتر ابزورد، استفاده ویژه و جدید آن از زبان است. به این معنا که زبان به عنوان ابزاری برای مراوده منطقی به کار برده نمی‌شود و برخلاف نمایش‌های رایج گذشته، رابطه علت و معلولی متعلق به دنیای خود نمایش است و احتمالاً خارج از آن جهان، معنا و مفهومی پیدا نمی‌کند. از این‌رو، هرکدام از نمایشنامه‌نویسان ابزورد، از زبان برای هدفی خاص سود جستند که از جمله آن‌ها می‌توان به خلق ابهام، ایجاد سوءتفاهم، وحشت، بیان دردهای ناگفتنی، اعتراض، فسادت، سکوت، تپق و جملات ناتمام و بی‌منطق و... اشاره کرد. هدف پژوهش‌گران از این پژوهش، بررسی این کارکردهای زبانی ابزوردیسم از دیدگاه کاربردشناسی زبان است که شامل تئوری ادب^۳،

اصول چهارگانه گرایس در مکالمه^۴ و نوبت‌گیری^۵ است. ادب، مجموعه‌ای از روابط بین فردی به منظور تسهیل در تعامل و ارتباط است که به‌وسیله به حداقل رساندن برخورد و رویارویی که جزو ماهیت تبادلات انسانی است، صورت می‌گیرد (یول، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۸۲). از این‌رو ادب را می‌توان به عنوان مفهومی ثابت همچون آداب معاشرت یا رفتار مؤدبانه اجتماعی در نظر گرفت. اصول چهارگانه گرایس که شامل چهار قاعده کمیت، کیفیت، ارتباط و شیوه است، یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی به حساب می‌آید که به نقش ارتباط میان جملات و چگونگی کاربرد زبان در ارتباط با نحوه ارتباط انسان‌ها می‌پردازد و از این لحاظ در منظورشناسی و تحلیل کلام جایگاه ویژه‌ای دارد (رضویان، الهی‌پناه، ۱۳۹۹: ۴۹). نوبت‌گیری نیز نوعی کنش یا رفتار اجتماعی است که در آن هرکسی می‌تواند اختیار صحبت کردن را در دست گیرد مشروط بر آن‌که این اختیار از قبل تعیین شده باشد که این امر را «نوبت‌گیری» می‌گویند. هنگامی که به زبان محاوره صحبت می‌کنیم، نوبت می‌گیریم و الگوهای نوبت‌گیری که در گفت‌وگو ظاهر می‌شوند قابل بررسی و مطالعه هستند (Short, 1994: 949).

بهمن فرسی (۱۳۱۲) از نمایشنامه‌نویسان معروف ایرانی است که آثار او آن‌طور که باید مورد مطالعه قرار نگرفته است. در بین نمایشنامه‌های وی، نمایشنامه *گلدان* را سرآغاز تئاتر ابزورد در ایران می‌دانند و بیش از هر چیز وی را به عنوان یک نویسنده پوچ‌گرا یا ابزورد در ایران می‌شناسند. بسیاری اعتقاد دارند که سبک نمایشنامه‌نویسی وی علی‌رغم اینکه در سال‌هایی نمایشنامه می‌نوشت که نمایشنامه‌نویسی در ایران رویکردی واقع‌گرا داشت اما باین‌وجود این مسیر را ادامه داد و سبب پیشرفت تئاتر ابزورد در ایران شد. از دیگر آثار نمایشی فرسی می‌توان به نمایشنامه‌های *آرامسایشگاه*، *بهار و عروسک*، *پله‌های یک نردبان*، *موش*، *دو ضربدر دو مساوی بی‌نهایت*، *صدای شکستن و چوب زیر بغل* اشاره کرد.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که در نمایشنامه‌های فرسی، بیشتر بار دراماتیک اثر بر عهده زبان است. وی در آثارش بیشترین دغدغه را برای زبان دارد؛ اینکه به چه طریق می‌توان لایه‌های مختلف زبان را در کنار یکدیگر قرار داد. فرسی با آگاهی در انتخاب یک زبان مناسب در میان گفت‌وگوهای به‌ظاهر بی‌محتوا، جملاتی شاعرانه و ادبی، سؤال و جواب‌های بی‌ربط و بحث‌و‌جدل‌های بی‌هوده، تراژدی

نمایشنامه‌های بهمن فرسی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.

پژوهشگران ضمن معرفی اجزای ساختاری نمایشنامه، مکتب ساختارگرایی و تئاتر ابزورد به معرفی الگوهای ساختاری حاکم بر نمایشنامه‌های بهمن فرسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخته‌اند. در نتیجه این پژوهش، فرسی در برخی از نمایشنامه‌هایش تحت تأثیر تئاتر ابزورد بوده و پی‌رنگ علت و معلولی رایج در تئاتر سنتی را کنار گذاشته و لایه‌های فکری و عقیدتی نمایش را تقویت کرده است.

— رحیمی، فرزانه، (۱۳۹۴)، بررسی نشانه‌های ابزوردیسم در نمایشنامه‌های بهمن فرسی با تمرکز بر نمایشنامه‌های گلدان و آرامسایشگاه، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه هنر تهران.

این پژوهش ضمن تحلیل و بررسی مؤلفه‌های تئاتر ابزورد، در پاسخ به این سؤال که چه مؤلفه‌هایی از تئاتر ابزورد در نمایشنامه‌های بهمن فرسی قابل بررسی است نگارندگان نتیجه می‌گیرند که زبان، ساختار، پی‌رنگ و شخصیت‌های او از نمایشنامه‌های واقعیت‌گرایانه کاملاً فاصله گرفته و به تئاتر ابزورد نزدیک شده است.

— قویدل، هومن، (۱۳۹۷)، تحلیل نظریه قدرت در سه نمایشنامه آرامسایشگاه، پله‌های یک نردبان و گلدان نوشته بهمن فرسی از منظر میشل فوکو، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه سوره تهران.

این پژوهش نیز با در نظر گرفتن قالب ادبیات و دارا بودن این قابلیت که ادبیات می‌تواند توصیفی از وضعیت اجتماعی جامعه را در یک دوره خاص ارائه کند، ریشه‌های قدرت در روابط آدم‌های سه نمایشنامه مذکور را بررسی کرده و در نتیجه آن ریشه‌های قدرت در شخصیت‌های نمایشی فرسی با توجه به جایگاه آن‌ها شناسایی شده‌اند.

— بنی‌صفر، نگار، (۱۳۹۷)، واکاوی مفهوم خواست و چگونگی نمود آن در زبان نمایشی با تکیه بر منتخبی از نمایشنامه‌های بهمن فرسی در دهه چهل شمسی با رویکرد نشانه‌شناسانه، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه سوره تهران.

در این پژوهش ابتدا توضیح میل و چگونگی نمود آن از زبان فروید و سپس لکان را از منظر می‌گذرانیم و در نهایت چگونگی ظهور میل در زبان نمایشی با رویکرد نشانه‌شناسانه و با استفاده از نظریات ژاک لکان را مورد

انسان امروز را بازگو می‌کند. در میان پژوهش‌ها، موضوع این پژوهش از دو منظر حائز اهمیت است؛ نخست انتخاب آثار بهمن فرسی به عنوان یکی از نواندیشان نمایشنامه‌نویسی در ایران که به نحو شایسته به آثار وی پرداخته نشده است و دوم اهمیت مطالعه ابزوردیسم از منظر کاربردشناسی زبان در حیطه ادبیات نمایشی و نمایشنامه که پژوهشی نوین محسوب می‌شود. بنابراین، جای چنین پژوهش‌هایی در مطالعات ادبیات نمایشی به‌خصوص آثار نمایشنامه‌نویسان داخلی خالی به نظر می‌رسد.

در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده شده است؛
 ۱. چه ارتباطی بین ابزوردیسم و کاربردشناسی زبان وجود دارد؟
 ۲. چه مؤلفه‌هایی از تئاتر ابزورد را می‌توان در نمایشنامه گلدان شناسایی کرد؟
 ۳. نشانه‌های زبانی ابزوردیسم و کاربردشناسی زبان در نمایشنامه گلدان چگونه نمود پیدا می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات صورت گرفته در پایگاه‌های اینترنتی معتبر، کتابخانه‌های دیجیتال نور، پایگاه مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور و همچنین پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) پژوهشی اعم از کتاب، مقاله یا پایان‌نامه مستقلی که دقیقاً به موضوع این پایان‌نامه اشاره کند پیدا نشد اما پژوهش‌های زیر تا حدودی می‌توانند زمینه‌ساز و پیشینه این پژوهش محسوب شوند:

— اعرابیان، بهناز، (۱۳۹۰)، بررسی نمایشنامه‌های پوچ‌گرایانه بهمن فرسی: از تأثیرپذیری تا خلق اثر، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.

نگارندگان بر این اعتقاد دارند نگاه یاس آلود و پوچ‌باور فرسی به نوشته‌های وی ویژگی منحصر به فرد و متمایز از آثار هم‌عصر خود بخشیده و به بررسی رابطه بین فضا و عناصر آثار فرسی با دیگر نمایشنامه‌نویسان ابزورد فرانسوی می‌پردازد. در نتیجه این پژوهش، میان فضا و عناصر آثار فرسی و نمایشنامه‌نویسان ابزورد فرانسوی آن دوره، به‌صورت کلی و اجمالی پیوندها و اشتراکاتی از نظر ساختار برقرار شد.

— رمشکی، سعید، (۱۳۹۳)، تحلیل ساختاری و مضمونی

بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه این پژوهش مشخص می‌شود که استفاده از زبان استعاره و دوپهلوگویی در نمایشنامه‌های فرسی به دلیل سرکوب موجود در بازه تاریخی در دهه چهل ایران بوده است.

تفاوت اساسی این پژوهش با پژوهش‌های پیشین خود، توجه و انطباق مفاهیم تحلیل گفتمان از منظر کاربردشناسی زبان با نشانه‌های زبانی ابزوردیسم است که در نمونه‌های پیشین، توجه چندانی به آن نشده است و این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات سایر پژوهش‌گران شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی نظری و بنیادی است و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در این راستا از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های معتبر اینترنتی استفاده شده است. همچنین چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نشانه‌های زبانی ابزوردیسم و رویکرد زبان‌شناسی شاخه کاربردشناسی زبان خواهد بود. تحلیل الگوی داده‌ها نیز در چارچوب انطباق نشانه‌های زبانی ابزوردیسم و نظریات کاربردشناسی زبان انجام گرفته است.

در این پژوهش یک اثر نمایشی از بهمن فرسی به عنوان نمونه موردی تحلیل و بررسی می‌شود:

گلدان/ (۱۳۹۴) تهران، انتشارات: بیدگل.

ابزارهای گردآوری اطلاعات این پژوهش عبارت است از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و یادداشت‌هایی از منابع مختلف. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز در این پژوهش کیفی است. به عبارتی استدلال‌های ارائه شده در بررسی دیالوگ‌های نمایشنامه بر تفسیر داده‌ها استوار است و پژوهش‌گران با گردآوری داده‌ها در نمایشنامه مذکور، به تحلیل و ارزیابی چارچوب‌های نظری پرداخته‌اند.

چارچوب‌های نظری پژوهش

الف. نمایشنامه ابزورد

تئاتر ابزورد نوعی نمایش است که پوچ بودن وضعیت انسان و ویژگی‌هایی مانند سکوت، تکرارهای بیهوده روزانه و گفت‌وگوهای غیرمتعارف و بی‌ارزش را بدون هیچ‌گونه رویدادی که باعث پیشرفت و تعالی زندگی انسان باشد، نشان می‌دهد. اصطلاح «تئاتر ابزورد» توسط مارتین اسلین ابداع شد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تئاتر ابزورد، بی‌اعتمادی به

زبان به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی است. زبان به عنوان وسیله انتقال تعارف‌های مرسوم، کلیشه‌ای و بی‌معنا نمایش داده می‌شود (آسمان‌دره، ۱۴۰۱: ۱۵). تئاتر ابزورد از تحریف، هزل و تمسخر گفتار مرسوم بهره می‌گیرد تا مردم را آگاه سازد که می‌توان از عرف گفتاری و ارتباط‌های هرروزه فراتر رفت. در این بین نظام نشانه‌ای زبان خاص ابزورد به جهت ابداعات خود و نیز فروپاشی هر آنچه در ذهن مخاطب چارچوب‌پذیر و ایستا شده است، در بازآفرینی و تولید دوباره معنا از طریق هنجارشکنی‌هایش در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرد. تئاتر ابزورد با حمله به قراردادهای ذهنی و نیز با شناساندن واهی و عبث بودن راه‌حل‌های حاضر و آماده و معنای پیش‌ساخته هر چیزی از جمله زبان و کلمات، نقطه آغاز نوع جدیدی از هشیاری است که با وحشت و ابهام شرایط انسانی روبه‌رو می‌شود. در نمایش‌های ابزورد، زبان در خدمت بیان گسست و فروپاشی خود زبان است. هرچند که تئاتر ابزورد بهترین استفاده را در جهت القای خواسته‌ها و نظریاتش می‌کند، لیکن برای تئاتر ابزورد، زبان سحرانگیز و الهام‌بخش نیست، بلکه دفاع مذبحانه‌ای در برابر حقیقت است (شکری، ۱۳۹۱: ۵۸). در «جدول ۱» ویژگی‌های اصلی آثار نمایشی تئاتر ابزورد نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های اصلی نمایشنامه‌های ابزورد (اسلین، ۱۳۸۸: ۳۱-۲۱)

۱. رویدادهای بی‌منطق	۲. ساختار نامنظم
۳. آمیختن شوخی و جدی	۴. گفتار تکرارشونده
۵. پایان باز	۶. ابهام در گفتار
۷. شخصیت‌های منفعل	۸. داستان غیرخطی
۹. ساختار تصادفی	۱۰. عدم وضوح روابط علت و معلولی
۱۱. سؤال و جواب‌های بی‌ربط	۱۲. عدم انسجام در نوبت‌گیری مکالمه
۱۳. تپق	۱۴. جملات ناتمام
۱۵. ساختار نمای غیر منسجم	۱۶. استفاده از کلمات نامتعارف

ب. کاربردشناسی زبان

کاربردشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی محض به بررسی معنی پاره‌گفتارها در درون بافت می‌پردازد.

ب. ۱. اصول چهارگانه گرایس در مکالمه

نظریه گرایس یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی است که به نقش ارتباطی جمله‌ها و چگونگی کاربرد زبان در ارتباط با انسان‌ها می‌پردازد و از این لحاظ در منظورشناسی و تحلیل کلام جایگاه ویژه‌ای دارد. گرایس معتقد بود که در مکالمه باید براساس اصل کلی عمل شود و گوینده و شنونده به‌صورت مشترک در فعالیتی مشارکت دارند که هر دو به نسبت مساوی بهره می‌برند. اصل همبستگی گرایس شامل چهار شرط مکالمه‌ای^{۱۲} است؛ اصل کیفیت^{۱۳}، اصل شیوه بیان^{۱۴}، اصل ارتباط^{۱۵} و اصل کمیت^{۱۶} (Grice, 1989: 37-38).

اصل کیفیت به درستی و راستی در گفتار می‌پردازد و بر طبق آن مشارکت براساس واقعیت و راستگویی در مکالمه شکل می‌گیرد. به اعتقاد یول دروغ و جملات فاقد استناد کافی از مهم‌ترین عوامل نقض‌کننده اصل کیفیت در مکالمات محاوره روزمره هستند (یول، ۱۳۸۷: ۶۹).

اصل شیوه بیان به شفاف و واضح سخن گفتن اختصاص دارد. به اعتقاد گرایس آنچه که بیان می‌شود باید برای شخصی که با آن مکالمه صورت می‌گیرد، مناسب باشد (واردهو و فولر، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱). کلمه مناسب در این جا باید دارای چهار ویژگی قابل فهم بودن، صریح و خلاصه بودن، پرهیز از ابهام و ترتیب در بیان مطالب است. مصداق‌های بارز نقض اصل شیوه بیان در مکالمات استفاده از جملات مبهم و با کنایه است (یول، ۱۳۸۷: ۶۹).

اصل ارتباط به مرتبط‌بودن موضوع و بی‌ربط‌نبودن سخن در مکالمه اختصاص دارد. اصل ارتباط به ما می‌گوید که آنچه می‌گویید باید مرتبط باشد. این اصل بسیار روشن می‌نماید گاهی چیزهایی می‌گوییم که به نظر می‌رسد هیچ ارتباطی به هم ندارند و در ظاهر بی‌ربط‌اند اما در حقیقت مرتبط‌اند. اینجا جایی است که رفتار ما به‌طور مستقیم از درک منطقی ما ناشی می‌شود. برای مثال من می‌گویم: «بنزینم تموم شده» و دوستم در جواب می‌گوید: «یه گاراژ همین اطرافه». به عقیده گرایس هدف چنین نمونه‌هایی درک لغوی کلمات تشکیل‌دهنده نیست بلکه شنونده براساس ارتباطی که با بافت موقعیت برقرار می‌کند، پاسخ می‌دهد. مصداق‌های بارز نقض اصل ارتباط در مکالمه پاسخ‌های بی‌ربط و جواب سر بالا است (یول، ۱۳۸۷: ۶۹).

اصل کمیت به بیشتر و کمتر از حد نیاز سخن گفتن

پاره‌گفتارهایی که با ارجاع به ویژگی‌های به‌خصوص بافت، از جمله موقعیت افراد مشارک در کلام و پیش‌زمینه‌ای که گویندگان نسبت به موضوع و یکدیگر دارند، امکان ایجاد یک معنی به‌خصوص را فراهم می‌کنند. به اعتقاد یول کاربردشناسی علاوه بر تکیه بر جنبه‌های کاربردی، به هماهنگی رمزگان با انواع بافت و در کل به مطالعه زبان به عنوان گفتمان نظر دارد (یول، ۱۳۸۷: ۱۸). بنابراین کاربردشناسی، معنی را هنگام کاربرد و در ارتباط با جهان خارج مورد مطالعه قرار می‌دهد. جملات اگر در موقعیت مناسب خود به کار نروند، نمی‌توانند در ایجاد ارتباط سهمی داشته باشند. ما در مقام گوینده می‌دانیم در هر موقعیتی چگونه صحبت کنیم و در مقام مخاطب نیز می‌دانیم در برابر آنچه می‌شنویم چه واکنشی نشان دهیم. فرزان سجودی نیز معتقد است که متن در بافت محقق می‌شود و بافت متن را می‌آفریند (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۰۶). از این جهت معنی را هرگز نمی‌توان مستقل از بافت دانست چراکه محیط خارج از زبان بر معنی جملات زبان تأثیرگذار است و معنی واژه‌ها در موقعیت‌های مختلف متفاوت است. افزون بر واژه‌ها جملات نیز می‌توانند مقید به بافت موقعیت باشند. یعنی درک مفهوم آن‌ها تنها از طریق شرایطی امکان‌پذیر است که حاکم بر تولید آن‌ها است و معنای ضمنی جملات نیز در بافت قابل درک هستند. از آنجاکه یکی از حوزه‌های اصلی کاربردشناسی تحلیل مکالمه است، محققان تحلیل مکالمه به مکالمات طبیعی بسیار اهمیت می‌دهند و از نظر آنان اگرچه مکالمات به‌ظاهر تصادفی هستند اما در واقع از یک انسجام و نظم برخوردارند. به اعتقاد شگلف^۷ سخن به عنوان موقعیتی برای بروز خوی اجتماعی فرد عمل می‌کند (واردهو و فولر، ۱۳۹۴: ۴۳). البته کاربردشناسی متفاوت از زبان‌شناسی اجتماعی قلمداد می‌شود، اگرچه موضوعات مورد بررسی آن‌ها باهم هم‌پوشانی پیدا می‌کند. به‌صورت خاص می‌توان به این موضوع اشاره کرد که چگونه شخصیت و نوع رابطه افراد حاضر در مکالمه بر روی نوع انتخاب آن‌ها از زبان تأثیرگذار بوده و چگونه این انتخاب‌های زبانی درک و برداشت می‌شوند. از این رو کاربردشناسی به عنوان شاخه‌ای نوین از زبان‌شناسی، تحت تأثیر نظریات نظریه‌پردازان برجسته‌ای هم‌چون جفری لیچ^۸، براون^۹ و لوینسون^{۱۰} با طرح تئوری ادب، پل هربرت گرایس با طرح مسئله اصول همکاری در مکالمه و هیرشمن^{۱۱} و شورت با طرح مسئله نوبت‌گیری در کلام بوده و بسط داده شده است.

از آن‌جا که نحوهٔ به‌کارگیری این اصول با اصل ادب و نزاکت اجتماعی رابطهٔ مستقیم دارد، رعایت به‌جا و صحیح آن‌ها موجب ارتباط مؤثرتر و موفق‌تر و در نتیجه اثربخشی مطلوب‌تر پیام خواهد شد (آنی‌زاده و غیاثیان، ۱۳۹۵: ۶۱). نظریهٔ نوبت‌گیری در یک ارتباط کلامی برای توزیع نوبت‌های سخنرانی در جریان یک مکالمه است. به کمک این نظریه می‌توان درک بهتری از ساختار مکالمات روزمره و روش‌های تعامل کنشی بین سخنگوها به‌دست آورد. لوینسون معتقد است:

مکالمه در اصل با نوبت‌گیری شناخته می‌شود. شرکت‌کنندهٔ اول حرف می‌زند، سکوت می‌کند و شرکت‌کنندهٔ دوم آغاز می‌کند، حرف می‌زند و سکوت می‌کند. و به این صورت ما به توزیع اول - دوم - اول - دوم - اول - دوم از کلام دو شرکت‌کننده می‌رسیم (Levinson, 1983: 296).

بنابراین در یک گفت‌وگو، هر فرد باید منتظر نوبت خود باشد تا صحبت کند. زمانی که فردی نوبت دیگری را می‌گیرد و در صحبت خود جلو می‌زند، اصل نوبت‌گیری را نقض کرده است. بنابراین اگر نوبت‌گیری در گفت‌وگو با تداخل در سخن‌گفتن همراه باشد، اصل نوبت‌گیری نقض شده و در اصطلاح قطع کلام یا گفتار رخ می‌دهد. در قطع کلام، شخص دوم آگاهانه یا ناآگاهانه، زمینهٔ صحبت کردن را از شخص اول می‌گیرد و به صحبت خود ادامه می‌دهد. در واقع می‌توان گفت قطع کلام زمانی رخ می‌دهد که سخنگوی دوم در بین صحبت‌های سخنگوی اول شروع به حرف‌زدن کند در حالی که صحبت نفر اول هنوز به‌طور کامل تمام نشده و او ناچار است حرفش را نیمه‌تمام بگذارد و قطع‌کننده به صحبتش ادامه دهد (رضایی، ۱۳۸۳: ۶). قطع کلام ممکن است که تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله اعمال قدرت، جنسیت، سبک گفت‌وگو، تفاوت‌های فرهنگی، شرایط حاکم بر گفت‌وگو و نحوهٔ نوبت‌گیری صورت گیرد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۹).

تحلیل یافته‌های پژوهش نمایشنامهٔ گلدان

الف. شخصیت‌های نمایش

شخصیت‌های نمایشنامه عبارت‌اند از: دختر، پسر، پدر دختر، مادر دختر، همسایه، انسان لنگ، انسان کور و کودک ولگرد.

اختصاص دارد. گرایش معتقد بود که در مکالمه باید آن مقدار اطلاعاتی رد و بدل شود که اشخاص فکر می‌کنند مناسب است. اطناب کلام، زیاده‌گویی و گمراه کردن مخاطب از مصداق‌های بارز نقض اصل کمیت در مکالمه است (یول، ۱۳۸۷: ۷۰).

ب. ۲. اصل ادب

نظریهٔ ادب از دیگر نظریات مهم کاربردشناسی است که به حوزهٔ آداب معاشرت و رفتار مؤدبانه می‌پردازد. به اعتقاد یول ادب، مجموعه‌ای از روابط بین فردی به‌وسیلهٔ تسهیل تعامل و ارتباط است که به‌منظور به حداقل رساندن تنش و برخورد که جزو ماهیت تبادلات انسانی است، صورت می‌گیرد (یول، ۱۳۸۷: ۸۲). برای رفتار مؤدبانه در تعامل با اجتماع به عنوان یک فرهنگ خاص، می‌توان اصول گوناگونی را شناسایی کرد. بعضی از این اصول عبارت است از: مدبر بودن، گذشت کردن، و حس همدردی نسبت به دیگران (حکمت، ۱۳۹۰: ۲۵). بنابراین در یک ارتباط کلامی اگر ملاحظهٔ شأن اجتماعی مخاطب و یا بافت موقعیت مد نظر باشد، اصل در پیروی از قاعدهٔ ادب و حفظ وجههٔ مخاطب خواهد بود. در دنیای نمایشنامه و درام، بی‌ادبی در دیالوگ‌های نمایشی بسیار جلب توجه می‌کند و به نوعی عملکرد آن، موجب درگیری بین کاراکترها است و این هارمونی سبب جذب تماشاگر و باعث حرکت رو به جلوی پلات نمایشی می‌شود (حکمت، ۱۳۹۰: ۲۶). درنهایت نیز، توطئه‌چینی و خشم کاراکترها بیشتر در دیالوگ نمود پیدا می‌کند. البته در درام، بی‌ادبی به‌صورت تصادفی اتفاق نمی‌افتد و از این رو برای سرگرمی مخاطب نیست. به همین دلیل درگیری اغلب بین کاراکترها به عنوان نوعی نماد ظاهر می‌شود (Short, 1996: 83). به عبارت بهتر نقض اصول ادب در درام به هدف سرگرم کردن مخاطب صورت نمی‌گیرد بلکه به‌کارگیری این فن کاربردهای مؤثرتر و گسترده‌تری دارد که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به کشمکش بین شخصیت‌ها و پیشرفت پلات در نمایشنامه اشاره کرد. نقض اصول رعایت ادب اغلب در نمایشنامه‌ها براساس توهین‌های لفظی صورت می‌گیرد.

ب. ۳. اصل نوبت‌گیری

اصل نوبت‌گیری یکی از جنبه‌های مهم حوزهٔ ارتباط است که به رعایت برخی از نکات اساسی ارتباطی بستگی دارد.

جواب می‌دهد. تکرار بخشی از کلمات سؤال پسر حین پاسخ‌دادن توسط دختر، سبب زیاده‌گویی و تکرار در مکالمه شده و اصل کمیت را نقض کرده است. بنابراین، با استفاده خاص از زبان، تکرار و زیاده‌گویی، باعث عدم تسهیل در تعامل و ارتباط شده و جریان گفت‌وگو را به سوی ابزوردیسم، هدایت کرده است. در این راستا می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد:

پسر چیزی نمی‌شنوی؟
دختر چرا!
پسر چیه؟
دختر صداست...

پسر فقط صدا؟ حرف توش نیست؟
دختر صبر کن... نه، فقط صداست!
پسر صدای چیه؟

دختر صدای... صدای... دو تا چیز پوک رو دارن به‌زور هم می‌کوبن تا گره‌هاشون باز شه. دو تا چیز پوک... (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۳).

نمونه ۲: در مکالمه زیر پسر قصد دارد که به‌صورت مخفیانه دختر را در حیاط خانه‌شان ملاقات کند برای همین ابتدا در می‌زند و منتظر پاسخ دختر از پشت در می‌ماند. پاسخ‌های تکراری دختر در این مکالمه نیز سبب نقض کمیت در مکالمه می‌شود و می‌توانست با پاسخ «آره»، از تکرار و زیاده‌گویی در مکالمه بکاهد.

دختر خب... شنیدم، بیا تو!
پسر خودت هستی؟
دختر خودمم... خود خودم (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۹).

نمونه ۳: در مکالمه زیر سه بار نقض اصل کمیت توسط پسر صورت می‌گیرد. بار اول و دوم در جواب سؤال دختر با تکرار کلمات «بابات» و «هیچی» و بار سوم هم به‌صورت سؤالی در مورد «ماهی» که دختر دلش ماهی می‌خواهد.

دختر او مده بودی به بابام چی بگی اون وقت؟
پسر به بابات؟ هیچی! حالا که نگفته‌ام، هیچی...
دختر من دلم ماهی می‌خواد...
پسر ماهی؟
دختر او هووم! یه ماهی طلایی... (فرسی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱).

جدول ۲. انطباق نشانه‌های زبانی ابزوردیسم با مؤلفه‌های کاربردشناسی زبان.

نشانه‌های زبانی ابزوردیسم	مؤلفه‌های کاربردشناسی زبان
سؤال و جواب‌های بی‌ربط	نقض اصل ارتباط
گفتار تکرار شونده	نقض اصل کمیت
ابهام در گفتار	نقض اصل شیوه
آمیختن شوخی و جدی	نقض اصل کیفیت
استفاده از کلمات نامتعارف	نقض اصل ادب
قطع کلام (عدم انسجام در نوبت‌گیری)	نقض اصل نوبت‌گیری

ب. خلاصه داستان

داستان نمایشنامه *گل‌ن* در پنج پرده اتفاق می‌افتد و مربوط به دختری است که مادرش را از دست داده و با پدرش در خانه‌ای حیاط‌دار با دیوارهای کوتاه زندگی می‌کند. پدرش تفکری مردسالارانه دارد و دختر را نتیجه مادری خیانت‌پیشه می‌بیند. از این‌رو مانع بزرگی به سر راه دختر قرار می‌دهد و او را همچون پرستاری، موظف به مراقبت از خود می‌داند. در این بین پسری عاشق دختر می‌شود و اوقاتی که پدر در خانه نیست، به‌صورت پنهانی به دیدار دختر می‌آید. پسر سخت عاشق دختر می‌شود و به او پیشنهاد می‌دهد که باهم فرار کنند ولی دختر پیشنهاد وی را نمی‌پذیرد و می‌گوید که باید در کنار پدر بیمارش باشد و او را پس می‌زند. گویی دختر به این بند پدر عادت کرده است. تا این‌که پدرش می‌میرد و زین‌پس دختر احساس رهایی می‌کند و خود را متعلق به پسر می‌داند. تصمیم به فراموشی و رهایی از هر آنچه که از سر گذرانده می‌گیرد و صندلی پدرش را به بیرون از خانه منتقل می‌کند و اکنون آمادگی وصال با پسر عاشق را دارد و خود را از بند پدر رها شده می‌داند. اما پسر عاشق پیشه دیگر عاشق او نیست و این‌بار او دختر را طرد می‌کند. دختر اکنون برمی‌گردد به نزد صندلی پدر و آن را در آغوش می‌گیرد چنان‌که گویی از میانه دردی بزرگ، به میانه دردی بزرگ‌تر منتقل شده است.

پ. نمونه‌های موردی نقض اصل کمیت در نمایشنامه و ارتباط با ابزوردیسم

نمونه ۱: در مکالمه زیر بین دختر و پسر، سؤال و جواب‌هایی ردوبدل می‌شود که پسر از دختر می‌پرسد و دختر نیز به آن‌ها

ت. نمونه‌های موردی نقض اصل کیفیت در نمایشنامه و ارتباط با ابزوردیسم

نمونه ۴: در مکالمه زیر بین دختر و پسر، پسر قصد ملاقات دختر را دارد و در خانه دختر را می‌زند و منتظر می‌ماند که در را باز کند ولی دختر پشت در می‌ایستد و در را باز نمی‌کند و در ادامه دختر سه بار پشت سر هم به صورت آشکار دروغ می‌گوید و سبب نقض اصل کیفیت در مکالمه شده است. در نمونه‌های بسیاری هم می‌توان مواردی یافت که با کاربردهای خاص زبانی، مسیر گفت‌وگو نمایشنامه، به سوی تعلیق معنا و گسست پیش رفته است که همزمان با کاربرد دروغ، برای هدفی خاص بهره گرفته شده تا ضمن ایجاد قساوت، وحشت و فضایی شکننده در نمایشنامه، به‌طور پیوسته با بازی با کارکردهای متفاوت زبانی، فرایند ابزوردیسم حضور برجسته‌ای پیدا می‌کند. در این زمینه می‌توان به نمونه بعدی توجه کرد:

پسر خونه‌ای؟
دختر نه (در حالی که خانه است)
پسر هوم... تنهایی؟
دختر آره... نه! (در حالی که تنهاست)
پسر خب باشه... لخت که نیستی؟
دختر چرا! (در حالی که سرتاپایش پوشیده است)
(فرسی، ۱۳۹۴: ۶-۵).

نمونه ۵: در این مکالمه دختر مشغول تعریف کردن چگونگی متوجه شدن پدر در مورد خیانت مادرش است که در جواب آن پسر با حدس و گمان و استفاده از کلمه «لابد»، سبب نقض اصل کیفیت و عدم مستدل سخن گفتن شده است.
دختر وقت برگشتن... در کوچه رو که وا می‌کنه، از دالون که رد می‌شه، سرفه‌اش رو که می‌کنه، یا آلاش رو که می‌گه، دو تا پله می‌آد بالا، از ایوون رد می‌شه، پرده رو کنار می‌زنه که بیاد تو... زیر کرسی دو تا کله می‌بینه... شاید یکی ش کله من بوده یا کله پسر فخرسادات که نهم شیرش می‌داده (می‌خندد)... خلاصه... بابم... جلدی پرده رو می‌اندازه و از همون راهی که اوامده بود برمی‌گرده...
پسر خب لابد خونه‌تون به راه بیشتر نداشته...
(فرسی، ۱۳۹۴: ۱۰).

ث. نمونه‌های موردی نقض اصل ارتباط در نمایشنامه و همبستگی آن با ابزوردیسم

نمونه ۶: در مکالمه زیر مرد همسایه به همراه بچه کوچکش به

بهانه این که زنش رفته حمام و بچه مدام بی‌قراری و گریه می‌کند، به خانه دختر آمده تا بچه را ساکت کند. در این گفت‌وگو مرد علاقه زیادی به صحبت کردن با دختر دارد ولی دختر برعکس مرد، حوصله صحبت کردن با او را ندارد و به همین دلیل سؤال بی‌ربط می‌پرسد و منجر به نقض اصل ارتباط در مکالمه می‌شود. می‌توان در مواردی نیز اشاره کرد که با به کار بردن پرسش‌های بی‌ربط و برهم زدن انسجام گفت‌وگو، بیان کردن دردهای ناگفته به صورت درد دل و خلق یک فضای اعتراض‌آمیز، ضمن نقض اصل ارتباط، فضای ابهام‌آلودی شکل گرفته که تعامل و ارتباط را دچار عدم تسهیل می‌کند و همچنان فرایندی صعودی به سوی روند ابزوردیسم در نمایشنامه به چشم می‌خورد. تمامی عوامل نامبرده، از پارامترهای تشکیل دهنده ابزوردیسم هستند و در این حیطه به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

همسایه چه آزاد، چه آروم و سبک و بی‌درد و بی‌وسوسه خوابیده پدرتون... نه واقعاً شما فکر می‌کنی بشر تو زندگی‌ش فکر هم می‌کنه؟ نه ابداً... راستش وسوسه است، وسوسه می‌کنیم. بکنم؟ نکنم؟ بخوام؟ نخوام؟ بگم؟ نگم؟ این اسمش فکر نیست، نظر شما چیه؟
دختر زنتون کی رفته حموم؟
همسایه بله؟ ها... هه‌هه‌هه! من چه احمق‌ام! (با خودش) از کی دارم چی می‌پرسم... (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۷).

نمونه ۷: در مکالمه زیر بین دختر و همسایه، دختر مشغول درد دل کردن برای همسایه است که سؤال بی‌ربط همسایه و پاسخ بی‌ربط دختر به سؤال همسایه به‌نوعی نامربوط بوده و سبب نقض اصل ارتباط در مکالمه شده است.
دختر خوبه که آدم هیچ‌کسی رو نداشته باشه؟ دلش خالی، دستش آزاد، پاش زنجیر نباشه... بتونه هر جا دلش خواست بره بیاد، فکر نکنه که باید فرار کنه، خیال نکنه که باید تن به یه کارهای بد بده، اصلاً فکر نکنه که بد، غلط یا اشتباه تو دنیا هست؟ هان؟
همسایه دختره یا پسر؟
دختر آدمه! (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۸).

ج. نمونه‌های موردی نقض اصل شیوه بیان در نمایشنامه و ارتباط آن با ابزوردیسم

نمونه ۸: در مکالمه زیر پسر با حالت و لحن تند به پدر دختر کنایه می‌زند و او را مسخره می‌کند و از کلماتی همچون «کودن و پخمه»، «پفالو و بی‌اراده» و... استفاده

نشانه‌های زبانی با کارکردهای تحقیرآمیز، توهین‌کننده و گسست‌آفرین، به شیوه منحصر به فردی در روال گفتمان نمایشنامه، ضمن ایجاد رعب و وحشت در شخصیت‌ها و در ذهن مخاطب، مسیر ابزوردیسم همچنان طی می‌شود. پدر (مکرر سرفه می‌کند و دخترش سراسیمه دستمال از جیبش بیرون می‌کشد و به پدرش می‌دهد ولی او دستمال را می‌گیرد و با غیظ به گوشه‌ای پرت می‌کند) برو کنار! (رو به در که پسر از آن گریخته است) تف به اون روت بیاد... توله‌سگ! (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۴).

نمونه ۱۱: در مکالمه زیر، همسایه که به بهانه حمام رفتن زنش همراه با بچه کوچکش به حیاط خانه دختر آمده و از گریه و بی‌قراری بچه در نبود مادرش خسته شده، بچه را به دختر می‌دهد تا آرامش کند. بچه که در آغوش دختر آرام می‌شود، همسایه از فرط حسادت به دختر شروع می‌کند به توهین‌های لفظی به بچه کوچکش و سبب نقض اصل رعایت ادب در مکالمه می‌شود.

همسایه نازی... نازی... (بچه همچنان گریه می‌کند و به پدر اعتنایی نمی‌کند)
دختر بدیدش به من... (بچه را از همسایه می‌گیرد و توی حیاط قدم می‌زند. بچه ساکت می‌شود)
همسایه تف به اون روت بیاد... بی‌حیا... بگو آخه تو چی می‌فهمی که حالا رفتی بغل یه همجنس ننهت؟ هان؟ (به دختر) ببخشید ها، خیلی عذر می‌خوام، آخه س چه بی‌مقدمه عرعرش رو برید؟ (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۵).

ح. نمونه‌های موردی نقض اصل نوبت‌گیری در نمایشنامه و همبستگی آن با ابزوردیسم
نمونه ۱۲: در مکالمه زیر پسر به‌طور پنهانی و به دور از چشم پدر دختر وارد خانه دختر می‌شود و دختر نیز شکه از آن‌که پسر بهتر بود به جای در از پشت بام وارد شود، در همان ابتدا کلام پسر را قطع می‌کند و منجر به نقض نوبت‌گیری در مکالمه می‌شود. در این بخش نیز شاهد آن هستیم که با ایجاد گسست در روال دیالوگ در جریان در نمایشنامه، ایجاد شوک و وحشت و خلق فضایی رعب‌آور، ضمن پنهانی بودن مکالمه با افزایش تنش و خفقان، به‌طور همزمان همبستگی عوامل زبانی با ابزوردیسم نقش مهمی در کنار یکدیگر ایفا می‌کنند.

می‌کند و بدین ترتیب سبب نقض اصل شیوه بیان در مکالمه شده است. می‌توان مشاهده کرد که با کاربرد زبان به صورت کنایه، تمسخر، تحقیر، لحن تند و حتی استفاده مستقیم از واژه‌هایی چون «کودن» و «پخمه» بازنمایی شخصیتی قسی‌القلب، فضایی وحشت‌آلود و در گسست با هرگونه همدردی و همدلی، که همگی از نشانه‌های اصلی خلق ابزوردیسم هستند، جریان گفتمان نمایشنامه به سوی ابزوردیته بیشتر گرویده است.

پسر (به زمین خیره شده) رد پای بابات رو اینجا می‌بینم. از اینجا راه افتاده بنا کرده به اومدن... (انگار روی رد پای کسی راه برود حرکت می‌کند و به دور دختر می‌چرخد) اینجا پاهاش چابک بوده، اینجا متین و محکم بوده، اینجا وحشی و طوفانی بوده، از اینجا کند و نرم شده، مثل رد پای شتر، تنبل و پفالو و بی‌اراده، کودن و پخمه، چرا هنوزم سر پا بنده خودشم نمی‌دونسته... (فرسی، ۱۳۹۴: ۸).

نمونه ۹: در مکالمه زیر دختر از سؤال و جواب‌های بی‌اساس همسایه به ستوه آمده و او را از خانه‌اش بیرون می‌کند. لحن کنایه‌آمیز دختر و استفاده از کلماتی همچون «پهلوون سر بزنگاه» سبب نقض اصل شیوه بیان در مکالمه شده است.
دختر برو گم شو... از سر دیوار برو... این دیوارها تا وقتی تو بخوای هستن... به در آمیخته شده‌ای هان؟ فقط وقتی می‌ری دزدی در رو از یاد می‌بری... تف! پهلوون سر بزنگاه...

(همسایه وحشت‌زده بخاطر آبرویش از سر دیوار می‌جهد و ناپدید می‌شود) (فرسی، ۱۳۹۴: ۱۸).

چ. نمونه‌های موردی نقض اصل ادب در نمایشنامه و ارتباط آن با ابزوردیسم

نمونه ۱۰: در مکالمه زیر پدر دختر که متوجه حضور پسر در حیاط خانه‌اش شده و پیشنهاد فرار پسر به دخترش را شنیده است، پس از خروج پسر از خانه شروع می‌کند به توهین لفظی به پسر نزد دخترش و سبب نقض اصل رعایت ادب در مکالمه می‌شود. در نمونه‌ای مانند زیر نیز می‌بینیم که با ایجاد فضایی که حاکی است از فرار و گسست از مکان امن و خانه، کاربرد توهین‌های لفظی و کلامی از نشانه‌های کاربرد خاص زبان در جهت بهره‌جویی و قساوت، سهولت مسیر از تعامل و ارتباط روده شده و با عدم تسهیل ارتباط و اعمال

تمامی این شاخص‌های زبانی ابزوردیسم با کاربردشناسی زبان قابل انطباق و بررسی‌اند و نتیجه آن به‌گونه‌ای بود که فرسی در دیالوگ‌نویسی نمایشنامه *گلدان* با تکنیک نقض اصول رعایت مکالمه در کاربردشناسی زبان، پلات نمایشنامه را جلو می‌برد. از این رو شباهت نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش با نتایج پیشینه آن در اثبات ابزورد بودن نمایشنامه *گلدان* به عنوان نخستین اثر نمایشی ابزورد در ایران، از دیدگاه کاربردشناسی زبان تاکنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته بود که این امر در این پژوهش میسر شد. در این مقاله روشن شد که عوامل خلق‌کننده روند ابزوردیسم، با کاربردهای زبانی دست‌به‌دست هم می‌دهند و پارامترهایی که در این راستا نقش مهمی ایفا می‌کنند عبارت‌اند از کاربردهای زبانی خاص که به تحقیر، توهین، ایجاد فضایی رعب‌انگیز و خفقان‌آور، ابهام، دروغ، و نیز ساختارهای زبانی نشان‌دهنده اعتراض، دردهای ناگفتنی، باعث عدم تسهیل در تعامل زبانی و ارتباط می‌شوند. همچنین استفاده‌های خاص از زبان موجب تجسم فضایی می‌شود که روند گفتمان را در نمایشنامه دچار ابزوردیسم رو به رشدی می‌کند. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکردهای زبانی و نقض‌های اصول کاربردشناسی زبان در نمایشنامه *گلدان* بهمن فرسی، حکم پیشبرد درام را دارد و فرسی کاملاً آگاهانه از این اصول بهره برده است.

پسر بابات که خونه نیست... من او مده بودم که...
دختر خوب بود از پشت بوم می‌اومدی، اگه بفهمه باز تو او مدی اینجا منو می‌کشه! (فرسی، ۱۳۹۴: ۶).

نمونه ۱۳: در مکالمه زیر همسایه که میل و علاقه زیادی به گفت‌وگو با دختر دارد، از سر هیجان و میل به شنیدن درد دل‌های دختر کلام او را قطع می‌کند و خارج از نوبت خود سؤال می‌پرسد.

دختر شما فکر می‌کنید که...

همسایه که چی؟

دختر خوبه که آدم هیچ‌کسی رو نداشته باشه؟

(فرسی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷)

نتیجه‌گیری

فرسی نمایشنامه *گلدان* را بر مبنای تم اصلی پوچی نوشته است. پوچی در این نمایشنامه شکل واکنش انسان نسبت به جهان بی‌مفهوم را در بر می‌گیرد. شخصیت‌هایی که با ناامیدی مجبورند کارهای تکراری و بی‌مفهوم انجام دهند. در این نمایشنامه فرسی برای نزدیک‌شدن بیشتر به ابزوردیسم، علاوه بر تجسم فضا و ساختار و شخصیت، از نشانه‌های زبانی ابزوردیسم به‌صورت عامدانه نیز استفاده کرده است. چنانچه در جدول شماره ۲ نیز مشاهده کردیم،

پی‌نوشت‌ها

1. Language	2. Linguistics	3. Politeness	4. Herbert Paul Grice	5. Turn-talking	6. George Yule
7. E. Schegloff	8. Geoffrey Neil Leech		9. Brown	10. Levinson	11. L. Hirschman
12. Conversational Maxim		13. Quality	14. Manner	15. Relevance	16. Quantity

فهرست منابع

- اسلین، مارتین (۱۳۸۸)، *تئاتر ابزورد*، ترجمه: مهتاب کلانتری و منصوره وفايي، تهران: آمه.
- افتخاری، معصومه (۱۳۷۸)، قطع گفتار در گفت‌وگوهای خانوادگی زوج‌های فارسی‌زبان تهران: *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- آسمان‌دره، یاسر؛ مرتضوی، سعید؛ شیرازی، علی؛ پریخ، مهري (۱۴۰۱)، تأثیر مطالعه نمایشنامه‌های ابزورد بر ارتقاء مهارت گوش‌دادن، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، دوره ۱۲ شماره ۱، ص ۳۰-۷.
- آنی‌زاده، علی؛ غیاثیان، مریم‌السادات (۱۳۹۵)، مهارت‌های ارتباطی نوبت‌گیری و قطع کلام در برنامه‌های مجری‌محور سیمای جمهوری اسلامی ایران، *دوفصلنامه زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۲۳، ص ۶۱-۶۵.
- رضایی، مرضیه (۱۳۸۳)، بررسی راهکارهای آغاز، تداوم و پایان گفت‌وگو در فارسی گفتاری معیار، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی*، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- رضویان، حسین؛ الهی‌پناه، تمنا (۱۳۹۹)، تحلیل کاربردشناختی کتاب آموزش نوین زبان فارسی براساس اصول گرایس، *دوفصلنامه آموزش*

- کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- وارد هو، رونالد؛ فولر، جنتام (۱۳۹۴)، مروری بر نظریه‌های کاربردشناسی، ترجمه: تریفه عزیزی، فصلنامه زبان‌شناخت، شماره ۳، ص ۴۳-۷۰.
- وزیرنیا، سیما (۱۳۷۹)، زبان‌شناخت، تهران: قطره.
- یول، جورج (۱۳۸۷)، کاربردشناسی زبان، ترجمه: محمد عموزاده و منوچهر توانگر، تهران: سمت.
- زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دوره ۹ شماره ۱، ص ۷۰-۴۷.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه.
- شکری، بابک (۱۳۹۱)، بررسی زبان، نحوه کارکرد و علل تخریب آن در نمایشنامه‌های ابزورد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ادبیات نمایشی، دانشکده سینما تئاتر، دانشگاه هنر، تهران.
- فرسی، بهمن (۱۳۹۴)، گلستان، بهار و عروسک، تهران: بیدگل.
- فرشته‌حکمت، نرجس (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی زبان نمایشی غلامحسین ساعدی: مطالعه‌ای در کاربردشناسی زبان، پایان‌نامه

Grice, H. (1989). *Studies in the way of words*. Cambridge: Harvard University Press.

Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Short, M. (1996). *Exploring the Language of Poems, Plays and Prose*. New York: Longman.

Yule, G. (1989). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.

Yule, G. (1996). *The Study of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.